

حکم فقهی تأسیس رسانه

عطیه مقدم فر^۱

چکیده

در عصر کنونی که به عنوان «عصر ارتباطات و رسانه» نام گرفته است، رسانه‌ها نقش بسیار وافر و در فرهنگ‌سازی و نهادینه ساختن ارزش‌ها و شکل‌گیری اخلاق حاکم در جامعه دارند و از آنجایی که تقویت و تضعیف دین متأثر از رسانه است، در این مقاله به تبیین جایگاه رسانه در فقه اسلامی پرداخته شده است. با کاوش در مصادیق رسانه دریافتیم که رسانه از مسائل مستحدثه است که تحت هیچ عنوان فقهی قرار نمی‌گیرد؛ لذا آن را «عنوان ثانوی» معرفی کرده و در ابتدا بر اساس «اصل حلیت» تأسیس رسانه را در اسلام جایز دانسته و در غایت امر با التفات به نقش مؤثر و ضروری رسانه در عصر حاضر و مذاقه در آیات و روایات، با بهره‌گیری از ادله‌ای چون وجوب جهاد و دفاع از دین، وجوب تبلیغ و اعتلای اسلام، تأسیس رسانه واجب کفایی استنتاج شد.

واژگان کلیدی

رسانه، فقه، علو، دفاع، تبلیغ.

۱- دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران
moghadam10@gmail.com

مقدمه

ارتباط، نه تنها یکی از عناصر مهم و اساسی زندگی گروهی انسان‌هاست بلکه سنگ‌بنای جامعه و هسته اصلی تشکیل ساختمان اجتماعی است؛ زیرا بدون ارتباط، هرگز فرهنگ پدیدار نمی‌گردد. ارتباط در انتقال دانش‌ها، مهارت‌ها، نگرش و باورها نقش برجسته داشته و می‌تواند به شکل‌گیری و تغییر شناخت‌ها، عقاید و رفتارها منجر گردد. لکن این ارتباط خودبه‌خود صورت نمی‌گیرد بلکه نیازمند ابزار است و رسانه‌ها مهمترین و شاخص‌ترین ابزار ارتباط‌اند.

امروزه رسانه، با پیشرفت و توسعه فناوری اطلاعات، در ابعاد مختلف زندگانی بشر با تأثیرگذاری در فکر و اندیشه و عواطف انسان‌ها، از اصلی‌ترین عوامل تعیین‌کننده رفتار و عمل جوامع بشری به حساب می‌آیند. براین اساس، بشری بودن رسانه و گستردگی و گریزناپذیری نفوذ آن، تأثیرهای فراوانی در جهت تضعیف و تقویت دین خواهد داشت. با توجه به قدرت و اهمیت بالای رسانه در جوامع بشری، ناگزیر از واکاوی فقهی این پدیده نوظهور هستیم و بدون تردید با توجه به اینکه مکتب فقهی اسلام از غنای بسیار بالایی برخوردار است، می‌توان با توجه به مبانی، ادله و قواعدی که در فقه امامیه آمده است، به نتایج دقیق و شایسته‌ای دست یافت. در مقاله حاضر تلاش شده است حکم تکلیفی احداث رسانه در جامعه اسلامی واکاوی شود که آیا اساساً حاکمیت وظیفه تأسیس رسانه را دارد یا خیر؟

۱- مفهوم رسانه

رسانه‌های گروهی به معنای وسایلی که در ارتباطات جمعی استفاده می‌شوند، مانند رادیو، تلویزیون، مطبوعات و ... (مشیری، ۱۳۷۸، ص ۵۰۲)، ترکیب جدیدی است که در ادوار اخیر و در پی تعامل و دادوستد فرهنگی با غرب، به حوزه زبان و ادبیات فارسی راه یافته است.

این ترکیب یکی از معادل‌هایی است که برای اصطلاح غربی "Mass media" و در کنار معادل‌های دیگری از قبیل وسائط توده‌ای (وینر، ۱۳۵۴، ص ۱۲۵)، رسانه‌های همگانی

(کنستندر، ۱۳۵۱، ص. ۲۱۱)، وسایل ارتباط جمعی (رشیدپور، ۱۳۴۸، ص. ۱۷۳)، به کار گرفته شده است. پیش از آن در فارسی اصیل، واژه رسانه به معانی ستم، افسوس، اندوه و حسرت استعمال می شد (دهخدا، ۱۳۶۸، ص. ۵۰۲). اما امروزه این کارکرد به فراموشی سپرده شده و عنوان رسانه های گروهی به وسایل ارتباط و عرصه فرهنگی و معلومات - که مخاطبین توده ای و غیرمعین دارند - اطلاق می شود.

در گذشته های دور، وسیله ارتباط فکری ابنای بشر با یکدیگر منحصر به نوشتارها و مکتوبه ها، آن هم فقط در قالب کتاب ها و رساله هایی بود که مؤلفان و مصنفان به رشته تحریر درمی آوردند. این کتب و نوشته ها، تحقیق ها و مطالب علمی دانشمندان و شعاع و لطایف نازک اندیشان آن اعصار را که ترجمان فرهنگ و تمدن مردم آن روزگاران بود، دست به دست و نسل به نسل منتقل می کردند. اختصاص داشتن رسانه های گروهی به کتاب، اگرچه دیرپایید، اما به واسطه پیشرفت جوامع و سرعت شگرف رشد و ترقی دانش بشر، رقبای دیگری در کنار کتاب به عنوان رسانه های جمعی و وسایل ارتباط فکری مردم با یکدیگر جا گرفت.

امروزه رسانه های گروهی را می توان در یک دسته بندی به دو نوع رسانه های صوتی و تصویری و رسانه های نوشتاری (مکتوب) تقسیم کرد. روشن است که درجه تأثیر این رسانه ها و نیز استقبال همگانی از آنها شدت و ضعف داشته و تابع متغیر رشد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه می باشد. رسانه از انواع گسترده ای برخوردار است، امروزه با پیشرفت فناوری همواره بر مصادیق و انواع آن افزوده می شود.

مصادیق رسانه به جز کتاب، رادیو و تلویزیون (کابلی، آنتن معمولی، ماهواره ای)، اینترنت، اعم از تارنما های شخصی و عمومی، شبکه های گسترده داخلی و خارجی، خبرگزاری، تلفن همراه با قابلیت پیام کوتاه، سینما و روزنامه ها که شامل هفته نامه، گاهنامه، ماهنامه، فصلنامه، سالنامه و خبرنامه می باشند.

۲- عنوان فقهی رسانه

فقه با سه سنخ از موضوع های اجتماعی سروکار دارد و احکامی ناظر به آنها وضع

می‌کند. این سه سنخ عبارت‌اند از: موضوع اجتماعی از حیث ذات، موضوع اجتماعی از حیث تأثیر بالقوه، و موضوع اجتماعی از حیث تأثیر بالفعل. رسانه، هر سه بُعد را در خود داراست (مبلغی، ۱۳۹۳، ص. ۹). رسانه، موضوعی است که ابعاد وسیعی نظیر مسائل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، هنری و غیره را شامل می‌شود و نفوذ و رسوخ گسترده‌ای در جهت تضعیف و تقویت دین دارد. مضاف بر آنکه ماهیت رسانه، پیوند بالایی با روابط انسانی و بشری دارد. براین اساس، از جهت فقهی نمی‌توان از این مقوله تأثیرگذار غفلت کرده و یا فتوای عدم تقرّب داد.

با بررسی مصادیق متعدد رسانه که در مفهوم‌شناسی آن در قسمت بالا برشمردیم، درمی‌یابیم جملگی آنان به جز کتاب، امور مستحدثه و جدیداند. یعنی هیچ‌کدام در زمان ائمه معصومین تا هنگام غیبت نبودند.

ممکن است عده‌ای بگویند «منبر» در زمان پیامبر و ائمه معصوم همان عنوان رسانه عمومی را دارد، لیکن با دقت در کاربری مصادیق رسانه متوجه می‌شویم که «رسانه»، الزاماً دارای عنصر ابزار در درون خودش است (مریجی، ۱۳۸۴، ص. ۳۰). آن هم ابزاری که اگر نباشد انتقال اخبار ممکن نمی‌شود. درواقع رسانه «انتقال پیام با ابزار» است بدون اینکه چهره‌به‌چهره باشد. منبر برای انتقال سخن به مخاطب به‌عنوان ابزار رسانه‌ای نیست، چون منبر فی‌نفسه در انتقال مطلب موثر نیست. همین‌طور است خطبه نماز جمعه، البته چنانچه از طریق ابزاری مثل تلویزیون، رادیو یا تارنمای اینترنتی عنوان شود، حکم رسانه را دارا می‌شود.

در فقه گاهی مجتهد با تحول موضوع‌ها مواجه می‌شود بدین‌گونه که موضوعی از پیش وجود داشته و شناخته شده و حکم آن نیز در شریعت معلوم بوده است، اما اینک در ساختار جدید زندگی اجتماعی، تحول بنیادی یافته است، هر چند که هنوز همان نام و عنوان پیشین را دارد. در این‌جا موضوع تازه‌ای پیدا نشده و موضوعی هم از بین نرفته است، بلکه یکی از موضوع‌های موجود، به پیروی از دگرگونی‌های اجتماعی، دچار تغییر و تحول شده است؛ به‌طورمثال، در زمان حرمت موسیقی و غنا از دف و دایره و نی استفاده می‌شد، اما اکنون با ابزارهای دیجیتالی موسیقی تولید می‌شود. اگر در روایت

آمده که نگهداری دف حرام است، نگهداری دستگاهی که همانند صدا را ایجاد می‌کند و برای همان منظور است، آن حکم بر این مصداق هم صدق می‌کند و تحت همان عنوان ذاتی می‌رود و اما در مورد رسانه‌ها احکام ذاتی‌ای که به‌عنوان دلیل باشد، نداریم؛ بنابراین رسانه‌ها عنوان ثانوی پیدا می‌کنند.

باید دانست که بحث ما در این مقام، مغایر با مسئله تحول‌های موضوعی است. درحقیقت «رسانه» مربوط به مسائل مستحدثه است. در باب مسائل مستحدثه سخن بر سر موضوع نوپیدایی است که در زمان تشریع وجود نداشته است، از این‌رو، حکمی در شریعت ندارد و اکنون وارد نظام زندگی مؤمنان شده است. از این‌رو، کار فقیه در مورد این موضوع نوپیدا این است که بداند چنین موضوعی در قالب کدام یک از عنوان‌های کلی موجود در شریعت می‌گنجد و حکم آن را از کدام قاعده کلی شرعی می‌تواند به‌دست آورد (تقوی، ۱۳۷۴، ص. ۲۱۴). براین اساس، رسانه به شکل فعلی که زاده تحولات ماشینی قرون اخیر است، پدیده‌ای واقعاً مستحدثه و مولود مدنیّت قرون اخیر است، نه حقیقتی قدیمی که به‌شکلی نو، ظهور مجدد کرده باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص. ۵۹۲).

۳- حکم تکلیفی و ادله آن

با توجه به آنکه رسانه از امور مستحدثه است، ذیل عناوین ثانویه قرار می‌گیرد و هرگاه در حلال یا حرام بودن چیزی تردید کنیم، اصل اباحه جاری کرده و حکم به عدم حرمت می‌کنیم؛ زیرا آنچه نیازمند نص است، الزام‌های قانونی است، والا عدم الزام‌های قانونی احتیاجی به نص ندارد (علم‌الهدی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص. ۸۰۵).

از قواعد مشهور نزد اصولیان در شبهه حکمی، اصل اباحه است. این اصل در موارد شک و عدم وجود دلیل بر منع، جاری می‌شود. مراد از اباحه آن است که شارع مقدس، مکلف را در انجام دادن کاری یا ترک آن، بدون ترجیح یکی بر دیگری مخیر کرده باشد (طباطبائی حکیم، ۱۹۷۹م، ج ۱، ص. ۶۵). در نتیجه اولاً و بالذات تأسیس رسانه، از مباحات است؛ زیرا مشمول هیچ‌یک از عناوین محرم و محلّ اولیه‌ای در شرع مقدس نیست. اکنون پس از یافتن جواز تأسیس رسانه در اسلام می‌خواهیم با استفاده از ادله‌ای پافراتر نهاده

و وجوب تأسیس رسانه را به اثبات برسانیم:

۳-۱- وجوب دفاع

رسانه‌ها در دوران معاصر به یکی از مهم‌ترین ارکان زندگی انسان‌ها در تمام عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی تبدیل شده‌اند به‌گونه‌ای که اندیشمندان معتقدند برای آغاز یک نبرد اساسی بایستی دو نهاد را به همراه داشت که یکی اصحاب رسانه‌هاست و دیگری نخبگان (جلالی‌فراهانی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۷). امروزه رسانه به ابزار تهاجم ضد اسلام تبدیل و با همه تنوعش در غرب پایه‌گذاری شده است. دشمن هیچ‌گاه عملیات نظامی را صورت نمی‌دهد مگر زمانی که در عملیات روانی‌اش موفق شده باشد و تا زمانی که در عملیات روانی موفق نشود، عملیات فیزیکی را شروع نمی‌کند. عملیات روانی ابزاری جز رسانه ندارد، اکنون غرب تنها ابزارش برای ایجاد عملیات روانی در جهان اسلام، بهره‌گیری از رسانه‌هاست.

در عصر پیامبر اکرم (ص)، هم زمانی که طرف مقابل قصد تهاجم و حمله داشت، از قبل عملیات روانی انجام می‌داد؛ البته چنانچه ابوسفیان قصد جنگ روانی را داشت، نمی‌توانست از مکه این کار را انجام دهد بلکه ابزارش برای جنگ روانی، منافقان حاضر در مدینه بودند، همان‌گونه که در قرآن آمده است: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا؛ البته اگر منافقان و آنان که در دل‌هایشان مرض است و آنها که در مدینه، دل اهل ایمان را مضطرب می‌سازند دست نکشند، ما هم تو را بر آنها مسلط گردانیم تا از آن پس، جز اندک زمانی، در جوار تو نتوانند زیست کنند» (سوره احزاب: آیه ۶۰). همچنین در سوره مبارکه آل عمران، عدم اعتقاد آنان به جهاد و دفاع را به‌روشنی بیان می‌دارد: «وَلْيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفَرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ؛ کسانی را که دورویی نمودند [نیز] معلوم بدارد. و به ایشان گفته شد: بیاوید در راه خدا بجنگید یا دفاع کنید. گفتند: اگر جنگیدن می‌دانستیم، مسلماً از شما پیروی می‌کردیم. آن روز، آنان به کفر نزدیک‌تر بودند تا به

ایمان. به زبان خویش چیزی می‌گفتند که در دل‌هایشان نبود، و خدا به آنچه [در دل] پنهان می‌دارند، داناتر است» (سوره آل عمران: آیه ۱۶۷).

در عصر حاضر، کفار (آمریکا) توسط رسانه، میان مسلمین جنگ روانی ایجاد می‌کنند. دفاع، از عناوین جهاد است و آیات زیادی بر وجوب جهاد دلالت دارند. از جمله «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا؛ مومنان باید در راه خدا جهاد کنند». (سوره نساء: آیه ۷۴) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا؛ برگزید و نگاه دسته‌دسته یا همه به یکبار، متفق برای جهاد بیرون روید» (سوره نساء: آیه ۷۱). همچنین در باب وجوب دفاع از دین و ارزش‌های الهی در سوره حج می‌فرماید: «لَوْ لَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْذَمَّتْ صَوَامِعُ وَبَيْعٌ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ و اگر خدا بعضی از مردم را با بعض دیگر دفع نکند صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود، سخت ویران می‌گردد؛ و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد؛ خداوند نیرومند و شکست‌ناپذیر است» (سوره حج: آیه ۴۰).

علمای شیعه از جمله شیخ طوسی در باب جهاد در کتاب‌های «مبسوط» و «نهایه» (طوسی، ۱۳۱۷ق، ج ۲، ص ۸۰) از آیات قرآن بهره گرفته‌اند و جهاد را به «جنگیدن برای خدا» تعریف و شرایطی را نیز بر آن بیان کرده‌اند، از جمله آنکه جهاد باید به فرماندهی و اذن امام یا منصوب از جانب امام باشد. بر این شرط اساسی یک استثناء زده‌اند مبنی بر اینکه اگر این جهاد دفاع باشد نیاز به اذن و حضور امام نیست. همان‌طور که حضرت امام خمینی (ره) می‌فرماید: «اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد از بذل جان و مال و در این امر احتیاج به اذن حاکم شرع نیست» (خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۷۶۲).

لذا اطلاق جهاد، دفاع را دربرمی‌گیرد و دفاع به‌عنوان قسمتی از جهاد واجب است؛ تا جایی‌که در فضیلت و پاداش دفاع و مرزبانی در راه خدا، خطاب به سلمان فارسی فرمودند: «یک روز، مرزبانی در راه خدا از یک ماه نماز و روزه بهتر است و هرکه در

حال مراقبت از مرزها در جهاد در راه خدا، مرگش فرا رسد، تا روز رستاخیز، ثواب جهادگر (راه خدا) در نامه عمل او نوشته خواهد شد» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۲۸). همچنین، مرحوم امام می‌فرماید: «اگر مسلمانان بترسند که اجانب نقشه استیلاء بر بلاد مسلمین را کشیده‌اند، چه بدون واسطه یا به واسطه، عمال خود از خارج یا داخل؛ چه به واسطه توسعه نفوذ سیاسی یا اقتصادی و تجاری، واجب است دفاع از ممالک اسلامی کنند، به هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد» (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۱۷).

در جنگ‌های نوین که با مفاهیمی نظیر تهاجم فرهنگی، جنگ نرم و شبیخون فرهنگی نیز از آن زیاد یاد می‌شود، طرفین مناقشه تلاش در جهت فریب و اقناع مخاطبان خود در کل جهان (اعم از نیروهای خودی، نیروهای دشمن و افراد بی‌طرف) داشته تا بتوانند حقانیت خود و بطلان طرف مقابل را به اثبات برسانند. براین اساس، استفاده از رسانه به عنوان قدرتمندترین سلاح دفاعی راهبردی در دکترین جنگ‌های متوازن و نامتوازن در برابر حملات رسانه‌ای دشمن بسیار حائز اهمیت است (جلالی فراهانی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۳). به تعبیر دیگر، بهترین راه تأمین و تضمین امنیت و صیانت از افکار و ادراک مردم و حفظ شریعت مقدس اسلام از گزند معاندین، استفاده از همین سلاح راهبردی است؛ چراکه دشمنان دین، با بهره‌گیری از این عنصر مهم (رسانه) به دنبال منفعل کردن دین در عرصه فرهنگی، سیاسی و حکومتی هستند تا از این رهگذر، اباحه‌گری را در جوامع اسلامی رواج داده و همچنین قرائت از دین و عملکرد آن را دستخوش تغییر سازند. از این رو، برای جلوگیری و مقابله با این آسیب‌ها، تأسیس رسانه از باب وجوب دفاع در برابر هجوم رسانه‌ای دشمن، بر مسلمین واجب است و رسانه مصداق دفاع به شمار می‌آید.

۳-۲- نفی سبیل و وجوب علو اسلام

قاعده نفی سبیل از جمله قواعد فقه و برگرفته از آیه ۴ سوره نساء است که خداوند متعال می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَالِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ آنان که پیوسته در انتظار حوادث برای شما می‌نشینند، پس اگر از جانب خدا برای شما پیروزی‌ای رسید می‌گویند: مگر ما

با شما نبودیم؟ (پس سهم ما را از غنائم بدهید)، و اگر برای کافران بهره‌ای (از پیروزی) باشد (به کفار) می‌گویند: آیا ما (در گفتگو) بر شما چیره نمی‌شدیم (که عقاید خود را محکم دارید تا پیروز شوید) و آیا در جنگ‌ها بر شما پیروز نمی‌شدیم و دست از سرتان برمی‌داشتیم و شما را از (آسیب) مؤمنان مانع می‌شدیم؟ (پس ما را در غنیمت شریک سازید). خداوند در روز قیامت میان شما داوری خواهد کرد و هرگز خدا برای کافران راه تسلطی (در حجت و برهان) بر مؤمنان قرار نخواهد داد» (سوره نساء: آیه ۴). این آیه هرچند به شکل خبری بیان شده است ولی مراد از آن نهی و در مقام تشریع است (بجنوری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۸۸)؛ زیرا اگر مقصود خبر باشد، سخن کذب محسوب می‌شود (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۴۶).

قاعده فوق، در ابواب مختلف فقهی به‌کار رفته است؛ از جمله محرومیت کافر از حق شفعه علیه مسلمان، ممنوعیت نکاح کافر با مسلمان، ارث نبردن وی از مسلمان و غیره (حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۳۲).

قاعده نفی سبیل، در روابط حقوقی مسلمانان با غیرمسلمانان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و به‌عنوان شاخصی مطمئن برای تعدیل و تنظیم روابط یادشده به‌کار می‌رود و حافظ استقلال، عزت و شرافت مسلمانان است. در جهان امروز که کشورهای استعمارگر به‌دنبال نفوذ و سلطه هر چه بیش‌تر بر ممالک اسلامی هستند، قاعده نفی سبیل، دژ مستحکمی در برابر حمله‌ها محسوب می‌شود. هرگونه عملکرد و قراردادی که در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و... که مقدمه یا زمینه‌ساز تسلط کفار بر مسلمین شود، قاعده نفی سبیل آن قرارداد را منتفی می‌کند. قاعده نفی سبیل در زمره قواعد ثانویه است که بر قواعد و مقررات اولیه حکومت دارد (بجنوری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۸۸). در موارد ویژه‌ای، هرگاه منافع و ارزش‌های حیاتی جهان اسلام در معرض خطر قرار گیرد، قواعد ثانویه فقهی که ضامن تأمین ارزش‌های متعالی و حیاتی اسلام است، قد برافراشته، قواعد اولیه را باطل اعلام می‌کند. مفاد این قاعده بیانگر مقاصد کلان شارع اسلامی است و از سوی دیگر جهان‌بینی استقلال‌طلبی و عزت‌خواهی را به ارمغان می‌آورد (رضایی، ۱۳۹۱، ص ۸۲).

امام خمینی معتقدند: مفاد این قاعده تأکید می‌کند خداوند راهی برای سلطه کفار بر

مسلمانان قرار نداده است، در نتیجه سلطه کفار بر مسلمانان در عالم خارج از جانب خداوند نیست و مسلمانان دیگر دستاویزی به عنوان تقدیر و مشیت الهی برای تحمل ظلم و زور کفار ندارند (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۲۵). در بعد فرهنگی ایشان سلطه فرهنگی اجانب را مهم‌ترین دلیل سلطه در دیگر ساحات می‌داند و وظیفه مسلمانان نفی سلطه فرهنگی اجنبی است؛ چرا که اگر فرهنگ جامعه وابسته و مرتزق از فرهنگ غرب باشد، به ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند (خمینی، ۱۳۸۴، ص ۴۲۵).

با توجه به آنکه در عصر کنونی مهم‌ترین ابزار سلطه فرهنگی دشمنان علیه اسلام، «رسانه» است، قدرت و استیلا از آن کسی است که رسانه مؤثرتر داشته و در این جنگ الکترونیکی، فعالانه‌تر گام بردارد؛ لذا ضرورت دارد مسلمانان و جوامع اسلامی در راستای اجرای قاعده نفی سبیل به تأسیس و تقویت رسانه برای اعتلای شریعت مقدس و ابطال کید دشمنان، اقدام نمایند.

ذیل قاعده نفی سبیل، به عنوان دلیل روایی قاعده، حدیث نبوی که مشهور میان فقهاست، ذکر شده است: «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۳۴). از لحاظ سندی، روایت مرسله است که موثق الصدور می‌باشد و بسیاری از فقها و دانشمندان از جمله شیخ طوسی این روایت را بیان داشته‌اند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص ۷۱).

حال جنبه دلالتی این روایت؛ چنانچه آن را خبر صرف بگیریم، دیگر نمی‌توان به عنوان حکم از آن استفاده کرد چون می‌خواهد صرفاً از یک مطلب و واقعه‌ای خبری دهد، اما عده‌ای از فقها آن را خبری دانسته‌اند که در مقام انشاء است (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۹۰). به این معنا که یک کلمه «یجب أن» در آغازش مستتر است؛ لازم است اسلام برتر و والا قرار بگیرد و لازم است هیچ مکتب و حرفی بر او سلطه پیدا نکند.

برخی از فقها مراد از «علو» را ازدیاد و شوکت اسلام و انتشار آن در انحاء زمین دانسته‌اند (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۹۱) و عده‌ای از فقها بر این باورند که مقصود، احکام مجعول میان مسلمانان و کافران است، بدین معنا که در اسلام، حکمی که سبب برتری کافر بر مسلمانی شود، به‌طور کلی تشریع نشده است (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۳۸).

با تجمیع هر دو قول می‌توان گفت: درحقیقت، شرف و عزت اسلام اقتضای آن دارد که

در احکام و شرایع خود موجب ذلت مسلمان نشود (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص: ۲۹۴)، خواه مراد از علو، ازدیاد شوکت دین باشد؛ خواه غرض، نفی جعل احکام مستلزم علو کافر باشد. امروزه رسانه به یکی از ابزار علو مبدل شده است و بدون رسانه نمی‌توان در دنیا اعتلای کلمه ایجاد کرد. از این رو، با توجه به حدیث مشهور نبوی که مؤید قاعده نفی سبیل است، بر همه مسلمانان واجب است که با تأسیس رسانه، زمینه‌های اعتلای اسلام را فراهم کرده و با هجمه‌های تخریبی دشمنان علیه اسلام به مقابله برخیزند.

۳-۳- لزوم اعداد و آماده‌سازی ابزار در برابر دشمن

خداوند متعال می‌فرماید: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه...؛ و شما در راه مبارزه با آن‌ها خود را آماده سازید تا آنجا که می‌توانید از آذوقه و آلات جنگی و غیره...» (سوره انفال: آیه ۶۰). امروزه، هیچ‌کس منکر توان رسانه در بحث مقابله با دشمن نیست. در این عصر، رسانه متمم جعل همه ابزارها است. حتی ابزارهای نظامی و اقتصادی بدون انضمام رسانه اصلاً کارایی نخواهد داشت. «اعدوا لهم» اشاره به لزوم اعداد و آماده‌سازی ابزار در برابر دشمن دارد که این ابزار با مقتضیات زمان قابل تغییر است (سبحانی، ۱۳۸۴، ص: ۸۷)؛ بنابراین، تأسیس رسانه که از بهترین ابزار مقابله با دشمن است، وجوب پیدا می‌کند (در عصر حاضر)؛ لذا از این آیه قرآن می‌توان وجوب تأسیس رسانه را به اثبات رساند.

ابو عبدالله جعفری روایتی از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که با غور در عبارت امام، اهمیت بحث بیشتر هویدا می‌شود؛ امام باقر می‌فرماید: «در نزد شما یک مسلمان تا چند وقت باید مرزبان باشد؟ عرض کردم: چهل شبانه‌روز. فرمود: ولی مرزبانی ما تا پایان روزگار است و هر که مرکبی را در راه یاری ما برگزیند و آماده نگهدارد، تا هر وقت که آن مرکب نزد او باشد به اندازه وزن آن و دو برابر وزنش نزد پروردگار، پاداش دارد و هر که سلاحی را در راه یاری ما برگزیند و آماده نگهدارد، تا هر وقت که آن سلاح نزد او باشد، به اندازه وزن آن، نزد پروردگار پاداش دارد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص: ۱۳۹).

نکته ظریفی که با توجه به کلام امام (علیه السلام) استنتاج می‌شود، تفاوت اعداد با دفاع است؛ لازمه دفاع، وجود هجوم بالفعل است. دفاع اساساً با مسئله هجوم شکل می‌گیرد.

اگر هجومی نباشد، دفاع معنایی پیدا نمی‌کند، اما مسئله اعداد هیچ ربطی به هجوم بالفعل ندارد، بلکه اعداد، نیازمند هجوم بالقوه است؛ یعنی احتمال و امکان هجوم نه هجوم بالفعل. به تعبیر دیگر در آیه «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه» عدو، اطلاق دارد؛ یعنی کسی که هجوم کرد یا هجوم نکرد. پس دائره وجوب در آیه «اعدوا لهم ما استطعتم من قوه» اوسع است و رابطه آن با دفاع عموم و خصوص مطلق است. چنانچه در ادامه آیه نیز می‌فرماید: «... آماده سازی ابزار کنید تا دشمن خدا و دشمن خودتان و دیگر دشمنانی که آنها را نمی شناسید بترسانید»^۱ (سوره انفال: آیه ۶۰).

از اینکه خداوند فرموده: «و آخرین من دونهم لا تعلمونهم»، می‌فهمیم که ما دوگونه دشمن داریم؛ دشمنانی که آنها را می‌شناسیم، اما فعلاً انگیزه هجوم ندارند و دشمنانی که از اصل نمی‌شناسیم و نمی‌دانیم و غافل هستیم. در برابر دشمن‌های موجود که بالفعل هم نشده، ممکن است عقل به ما بگوید که بازدارندگی کن، اما آن هنگامی که ما دشمن را نمی‌بینیم بحث بازدارندگی هم برای ما مطرح نمی‌شود. ولی خداوند متعال در این آیه در صدد بیان این است که حتی در برابر دشمنانی که آنها را نمی‌شناسی اعداد کن و به تعبیر امام خمینی، آیه فوق، امر به آماده باش و مراقبت همیشگی در دوره صلح و آرامش دارد تا دشمنان با نظاره اتحاد و آمادگی مسلمانان، دست از تفرقه‌اندازی بردارند (خمینی، ۱۴۲۲ق، صص. ۳۳-۳۴).

در جنگ رسانه‌ای، آمریکا و جهان غرب به صورت بالقوه و بالفعل به دنبال تهدید رسانه‌ای و ساخت بنگاه‌های تولید و خبرپراکنی کذب علیه اسلام و کشور ما هستند. بر مسلمانان لازم است که به اعداد و تقویت رسانه‌های خود پرداخته و با تسلط کامل بر زیرساخت‌ها و ابزارهای فناورانه رسانه همچون اینترنت و شبکه‌های مجازی، گام‌های مؤثری در جهت آماده‌سازی ابزار با تمام قوا (من قوه) علیه دشمنان اسلام بردارند.

درخور ذکر است که واژه «ترهبون» در آیه فوق به طور مطلق بیان شده و بیانگر این موضوع است که اعداد علیه دشمن بایستی به گونه‌ای باشد که آن رعب و هراس را در دل دشمن ایجاد نماید (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص. ۳۳۴)، از این جهت، ضرورت دارد مسلمانان بنیه

۱. «... و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم».

دفاعی خود را در عرصه‌های مختلف نیرومند ساخته و شیوه‌های الکترونیکی و رسانه‌ای را در راستای ارباب دشمن و خنثی نمودن توطئه‌های آنان فراهم آورند. ازاین‌رو، در عصر حاضر از باب وجوب اعداد، تأسیس رسانه در برابر دشمنان بالقوه‌ای که می‌شناسیم و یا نمی‌شناسیم بر ما واجب می‌شود.

۳-۴- اصل وجوب تبلیغ دین

واژه «تبلیغ» در لغت و عرف، دارای مفهومی باین و مترادف ابلاغ و به‌معنای اعلام و رساندن پیام به مردم است و در اثر کثرت استعمال این واژه در عصر اخیر، درخصوص ابلاغ معارف دینی و مفاهیم بنیادین و اخلاقی به‌ویژه انتقال احکام فرعی الهی به افراد ناآگاه، می‌باشد (مشکینی، ۱۳۷۷، ص. ۱۲۴).

لزوم تبلیغ و تعلیم دین از مسائل اساسی دین است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «و مؤمنان را نسزد که همگی بیرون روند؛ چرا از هر جمعیتی، گروهی (به سوی پیامبر) کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی یابند و قوم خود را هنگامی که به‌سوی آنان بازگشتند، بیم دهند، باشد که (از مخالفت با خدا) پرهیزند»^۱ (سوره توبه: آیه ۱۲۲).

عده‌ای از جمله مرحوم طبرسی، این آیه را در زمره آیات جهاد دانسته‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص. ۴۸۲) و مراد از نفر را، کوچ جهادی می‌دانند، درحالی‌که هیچ ضرورتی ندارد که نفر را بدین معنا بدانیم؛ زیرا کوچ یعنی حرکت به سمت انجام یک کاری. این وجوب کوچ منحصر در جهاد نمی‌شود بلکه کوچ (نفر) برای تفقه در دین نیز واجب است و در اینجا منظور همان تفقه در دین است. امام خمینی در توضیح آیه شریفه بعد از آنکه بیان می‌دارند نفر عمومی برای مسلمانان به جهت اشتغال به معاش و امور دنیوی میسر نیست، معتقدند غایت و هدف کوچ (نفر) دو امر است: اول. تفقه در دین و فهم احکام آن؛ دوم. انذار و موعظه مردم (خمینی، ۱۴۱۸ق، ص. ۹۱-۹۲) و چون امکان کوچ همه مردم وجود ندارد، عده‌ای لزوماً باید به سوی پیامبر اکرم کوچ می‌کردند تا دین را بیاموزند و بعد آن را میان اقوام اسلام تبلیغ کنند.

۱. «و ما کان المؤمنون لینفروا کافّةً فلولاً نفر من کلّ فرقة منهم طائفةً لیقفقوها فی الدّین و لینذروا قومهم إذا رجعوا إلیهم لعلّهم یحذرون».

پس این نفر، واجب کفایی است (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۵، ص ۳۲۴).

درواقع، بنابر فرمایش مرحوم امام، این آیه هم تعلّم دین و هم تبلیغ و تعلیم را واجب کرده است (برای آنان که فراگرفته‌اند). نکته حائز اهمیت دیگر آن است که در آیه شریفه، دایره حکم لینفروا به استطاعت محدود شده است. «لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا؛ ما هیچ نفسی را بیش از وسع و توانایی تکلیف نمی‌کنیم» (سوره مؤمنون: آیه ۶۲).

با توجه به آنکه موضوع‌های احکام به‌مثابه علت برای حکم هستند (صدر، ۱۹۷۸م، ص ۱۵۶)، عوامل فراوانی در تشخیص موضوع حکم و تعیین حدود و ثغور آن توسط مجتهد دخالت دارد که باید گفت مقتضیات زمان و مکان نقش اساسی در این زمینه ایفا می‌کند (صابریان، ۱۳۸۵، ص ۶۲). براین اساس با عنایت ویژه بدین مسئله درمی‌یابیم که در عصر کنونی، وجود ابزاری چون «رسانه» آن دایره وجوب را از باب استطاعت امروز توسعه داده است. رسانه موضوعی است که در توسعه حکم دخالت کرده است. با گسترش رسانه، امکان تعلم و فراگیری دین برای همگان وجود دارد. همچنین در مورد امکان تعلیم و انذار هم با وجود رسانه دایره آن وسعت پیدا کرده است.

اکنون با وجود رسانه می‌توان به تبلیغ و نشر دین در همه دنیا پرداخت. درحقیقت رسانه دو کار انجام می‌دهد: ۱- توسعه امکان تعلّم و فراگیری؛ ۲- توسعه امکان تعلیم و انذار. همان‌طوری‌که نفر و کوچ عده‌ای برای تفقه در دین و سپس تبلیغ آن واجب است، تأسیس رسانه هم برای این امر، کاری ضروری و واجب است، چنان‌که مقام معظم رهبری نیز در تبیین ماهیت جنگ‌های عصر جدید بدین مسئله تأکید نموده و می‌فرمایند: «در جنگ ترکیبی دشمن از رسانه استفاده می‌کند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با زائران و مجاوران حرم رضوی، ۱۴۰۲).

منظور از کلمه «قومهم» مذکور در آیه شریفه، تبلیغ در میان همه افراد است و تنها مردم مکه و مدینه را دربر نمی‌گیرد، چون پیامبر تنها مبعوث به مسلمین نیست بلکه مبعوث به همه انسان‌هاست؛ لذا دایره قوم توسعه دارد و شامل همه افراد است. همه انسان‌ها را باید انذار نمود (سبحانی، ۱۳۹۲)؛ بنابراین از این چهار دلیلی که عنوان شد می‌توان وجوب (کفایی) تأسیس رسانه را نتیجه گرفت.

نتیجه‌گیری

رسانه، یکی از مهمترین ابزارهایی است که امروز در خدمت بشر هست، چنان‌که در طول تاریخ به اشکال گوناگون در جوامع، بروز و ظهور داشته است. در عصر حاضر، با پیشرفت و توسعه فناوری اطلاعات و ظهور ابزارهای ارتباطی دیجیتال، رسانه‌ها در ابعاد مختلف زندگانی بشر با تأثیرگذاری در فکر و اندیشه، رفتار، احساسات و عواطف انسان‌ها از اصلی‌ترین عوامل تعیین‌کننده رفتار و عمل جوامع بشری به حساب می‌آیند.

در پژوهش حاضر، با رویکرد فقهی، به رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی نگریستیم و با بهره‌گیری از قواعد غنی فقهی توانستیم حکم تکلیفی تأسیس رسانه را استخراج نماییم. با بررسی مصادیق رسانه در عصر حاضر بدین‌نتیجه دست یافتیم که رسانه موضوع نوپدایی است که در زمان تشریع وجود نداشته و از مسائل مستحدثه به‌شمار می‌آید و تحت هیچ‌یک از عناوین و ادله فقهی قرار نمی‌گیرد؛ لذا با اجرای اصل اباحه، جواز تأسیس رسانه را بیان داشتیم. لیکن پس از آن با فراتر نهاده و با فحص و واکاوی آیات قرآن و اخبار وارده از معصومین، به مبانی‌ای چون وجوب تبلیغ و دفاع از دین، وجوب اعتلاء و برتری اسلام و همچنین لزوم اعداد ابزار مقابل دشمنان تمسک کردیم که این مسائل به‌عنوان اصول ضروری دین در میان فقها پذیرفته شده است.

امروزه، رسانه یکی از مهم‌ترین ابزاری است که دشمنان اسلام برای تهاجم علیه مبانی و اصول اسلام و حتی ایجاد عملیات روانی در جوامع اسلام، از آن بهره می‌گیرند. با توجه به آنکه «دفاع» زیرمجموعه جهاد و از واجبات ضروری دین است و آیات و روایات زیادی لزوم آن را یادآور شده‌اند، در این نبرد الکترونیکی دشمن بر جوامع اسلامی لازم است جهت حفظ ارزش‌های مقدس اسلام و صیانت از ادراکات مسلمانان، به تأسیس رسانه و تقویت این سلاح دفاعی راهبردی بپردازند. علاوه‌بر آن، قاعده فقهی «نفی سبیل» و «وجوب علو اسلام» که در ابواب متعدد فقه کاربرد دارد و به‌نوعی بیانگر عزت‌مداری اسلام است، راه سلطه کفار بر مسلمانان را مسدود دانسته است.

نظر به آنکه در عصر کنونی قدرتمندترین وسیله استیلای فرهنگی دشمنان علیه اسلام و ابزار برتری و اعتلای در دنیا، «رسانه» به حساب می‌آید، از این‌رو، بر مسلمانان و

جوامع اسلامی واجب است در راستای اجرای قاعده نفی سبیل به تأسیس و تقویت رسانه برای اعتلای شریعت مقدس و ابطال کید دشمنان، اقدام نمایند.

از ادله دیگری که وجوب تأسیس رسانه را به اثبات می‌رساند، بحث وجوب اعداد و آمادگی علیه دشمن است که برگرفته از آیه قرآن است. لزوم اعداد دایره‌ای وسیع‌تر از دفاع خواهد داشت چراکه دفاع الزاماً با مسئله هجوم به صورت بالفعل پیوند می‌خورد، اما مسئله اعداد، هجوم بالقوه را نیز شامل می‌شود.

دشمنان به‌ویژه جهان غرب به صورت بالقوه و بالفعل به دنبال تهدید رسانه‌ای و ساخت بنگاه‌های تولید و خبرپراکنی کذب علیه اسلام و کشور ما هستند. با توجه به اصل ضروری لزوم اعداد علیه دشمن باید به فراهم کردن و تقویت رسانه‌های خود پرداخته و به‌طور مستمر در برابر حملات احتمالی دشمن در عرصه رسانه به حالت آماده‌باش درآییم.

سه دلیل یادشده، دارای جنبه سلبی برای وجوب تأسیس بوده‌اند، لیکن اگر بخواهیم جنبه ایجابی را نیز لحاظ کنیم، باز نیازمند ابزار قدرتمند رسانه هستیم. آخرین دلیل وجوب تأسیس که بُعد اثباتی دارد، ضرورت تبلیغ دین است.

گسترش رسانه در عصر حاضر تا جایی پیش رفته که حتی در توسعه حکم استطاعت افراد در تعلم و فراگیری دین دخالت کرده و دایره وجوب را از باب استطاعت امروز توسعه داده است؛ زیرا در شرایط کنونی امکان فراگیری دین برای همگان مهیا است. پس در نتیجه باید گفت در عنوان رسانه، هر دو جنبه سلبی و اثباتی را باید مدنظر داشت؛ از یک‌سو، جهت مقابله با آسیب‌های رسانه به دین، بایستی رویکردی فعالانه در برابر آن در پیش گرفت تا شریعت دستخوش قرائت‌های ناصواب نشده و از سوی دیگر، برای بهره‌مندی از فرصت رسانه و فواید آن باید تلاش کرد تا اصول و ارزش‌های دین را به کل جهان ترویج نمود.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم.

بجنوردی، سیدحسن (۱۴۱۹ق)، *القواعد الفقهیه*، قم: نشر الهادی.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با زائران و مجاوران حرم رضوی (۱۴۰۲).

تقوی، سیدمرتضی (۱۳۷۴)، «تحول موضوعات در فقه»، *فقه اهل بیت*، ش ۳، ص ۲۴۰-۲۰۷.

جلالی فراهانی، غلامرضا (۱۳۹۱)، «نگرش امنیت ملی»، *راهبردهای دفاع رسانه‌ای در برابر جنگ نرم*، ش ۱، ص ۱۳۶-۱۷۳.

سبحانی، جعفر (۱۳۸۴)، «نقش زمان و مکان در استنباط»، *فقه اهل بیت*، ش ۴۳، ص ۴۳-۱۲۶.

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیه‌السلام).

حلی، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴ق)، *تنقیح الرائع لمختصر الشرائع*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۲)، *توضیح المسائل*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله).

خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۴)، *حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله).

خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۱۸ق)، *الاجتهاد و التقليد*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله).

خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۱ق)، *البیع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله).

خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۲ق)، *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله).

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۸)، *لغتنامه دهخدا*، تهران: مؤسسه دهخدا.
- راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵ق)، *فقه القرآن*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- رشیدپور، ابراهیم (۱۳۴۸)، *ارتباط جمعی و رشد ملی*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- رضایی، مجید (۱۳۹۱)، *بازخوانی قاعده نفی سبیل با رویکرد به اندیشه های امام خمینی*، پژوهشنامه متین، ش ۵۷: ص ۶۱-۸۶.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۲/۱۰/۳۰)، *درس خارج فقه*، قم: بی نا.
- صابریان، علیرضا (۱۳۸۵)، *زمان و مکان و نقش این دو در اجتهاد*، فصلنامه دین و سیاست، ش ۵، ص ۶۲-۸۳.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۹۷۸م)، *دروس فی علم الاصول - الحلقه الاولى*، بیروت: دارالکتب اللبنانی
- طباطبائی حکیم، سیدمحمدتقی (۱۴۱۸ق)، *الاصول العامه فی فقه المقارن*، قم: مجمع جهانی اهل بیت (علیه السلام).
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، *الخلاف*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، *المبسوط فی فقه الامامیه*، قم: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- علم الهدی، سیدمرتضی (۱۳۷۶)، *النزیه الی اصول الشریعه*، تهران: دانشگاه تهران.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶ق)، *القواعد الفقهیه*، قم: چاپخانه مهر.
- کنستاندر، اک (۱۳۵۱)، *جامعه شناسی روستایی*، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: امیرکبیر.
- مازندرانی، محمدصالح (۱۳۸۲)، *شرح کافی*، تهران: المکتبه الاسلامیه.
- مبلغی، احمد (۱۳۹۳)، *پیش درآمدی بر فقه رسانه، مطالعات رسانه و امت*، ش ۱، صص ۷-۳۷.
- مریجی، شمس الله (۱۳۸۴)، *رسانه های جمعی و نقش آنها در تحکیم و یا تضعیف ارزش ها*،

معرفت، ش ۹۱، صص. ۱۹-۳۴.

مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۷۷)، *مصطلحات الفقه*، قم: نشر الهادی.

مشیری، مهشید (۱۳۷۸)، *فرهنگ زبان فارسی*، تهران: نشر آسیم.

مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱ق)، *مائه قاعده فقهیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷)، *استفتائات جدید*، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).

نوری، میرزا علی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: موسسه آل البيت (علیه السلام).

وینر، مایرون (۱۳۵۴)، *نوسازی جامعه*؛ ترجمه رحمت الله مقدم مراغه‌ای، تهران: شرکت سهامی کتب جیبی.